

مذهب و اسکناس در ویتنام کمونیست

14 فروردین 1391

علی فرح بخش / رادیو کوچه

چندی پیش، مجموعه برنامه‌هایی تحت عنوان «گزارش‌های ویژه درباره‌ی درآمدهای مذهبی» در یکی از شبکه‌های خبری پخش شد. یکی از این گزارش‌ها «حزب کمونیست ویتنام و حمایت از مذهب» بود. در بخشی از این گزارش آمد:

«در طول ده سال گذشته، حزب کمونیست حاکم در ویتنام نحوه‌ی برخوردش با موضوع مذهب را عوض کرده‌است. درکنار ترویج ملی‌گرایی، این حزب همچنین به حمایت از شاخه‌ای از بودیسم برخاسته است. در حالی که ایدئولوژی مارکسیسم در حال کمرنگ شدن و جایگزین شدن با مذاهب سنتی‌ست، حمایت دولت از ارزش‌های مذهبی بر محبوبیت آن افزوده‌است. در راستای همین سیاست دولت، معابد بزرگ بودایی در سرتاسر کشور ساخته می‌شوند و همین ساخت معابد به تجارتی پرسود تبدیل شده‌است. معابد، میلیون‌ها دلار درآمد از بازدیدکنندگان کسب می‌کنند. معبد «بای‌دین» که در صد کیلومتری جنوب «هانوی» قرار گرفته از حمایت کلیسای بودایی ویتنام و رهبری حزب کمونیست برخوردار شده‌است.» (بی‌بی‌سی فارسی)

بحث مذهب و درآمدزایی مشروع یا نامشروع از آن، بحث تازه‌ای نیست. این موضوع از آغاز به‌وجود آمدن ادیان در جهان وجود داشته و متأسفانه همیشه کسانی بوده‌اند که دین را منبعی برای کسب درآمد و سودجویی به حساب آورند. اما نکته این‌جاست که این معضل، برخاسته از ضعف خود دین است و یا قدرت کسانی که می‌توانند از دین استفاده‌ی مالی کنند؟ و یا هر دو؟

آمار بودایی‌های ویتنام به‌وضوح مشخص نیست. سه آمار نیمه‌رسمی - طبق آخرین اعلام آماری در سال 2011 میلادی - وجود دارد: 16درصد، 50درصد و 85درصد. اولین گزینه مربوط به آماری‌ست که دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام منتشر کرده و دو رقم دیگر از سوی مراکز آماری ایالات‌متحده منتشر شده‌است.

در این بین، دو عامل عمده در چنین اختلاف آماری نقش اساسی ایفا می‌کند. نخست آن‌که بر خلاف آنچه بسیاری باور دارند، بودیسم بر خلاف ادیانی چون اسلام و مسیحیت، در حقیقت یک دین نیست، بلکه یک مکتب اخلاقی‌ست، در نتیجه آن‌طور که پیروان یک دین تعریف خاص خود را دارند، بودایی‌ها عموماً تعریف خاص و مشخصی ندارند، البته به استثنای راهبان بودایی که شکل منسجمی دارند. این به معنای عدم وجود یا تعریف یک بودایی غیر راهب نیست، بلکه به این معناست که پیروان بودیسم، لزوماً دین خود را فریاد نمی‌زنند و البته که این امر نیز همه‌گیر نیست.

عامل دوم در به وجود آمدن این آمار غیر همگون، دخالت عوامل سیاسی‌ست. آمار اول که فقط شانزده درصد مردم ویتنام را بودایی قلمداد می‌کند، از سوی دولت سوسیالیستی ویتنام صادر شده و دو آمار بعدی از سوی مراکز تحقیقاتی آمریکا است.

در این‌که دولت سوسیالیستی ویتنام سعی در کمرنگ جلوه دادن مذهب در کشورش دارد شکی نیست، همان‌طور که نمی‌توان از تاریخ روابط ایالت‌متحده و ویتنام نیز چشم‌پوشی کرد، رابطه‌ای نه‌چندان دوستانه در قدیم و نه‌چندان خوش‌آیند در عصر حاضر. پس هر دو آمار را می‌توان کمی غیرواقعی برداشت کرد، به این دلیل که مقاصد سیاسی در آن نقش داشته‌است.

اگر از آمارها بگذریم، به بحث طرح شده در آغاز این یادداشت می‌رسیم. چرا دولت سوسیالیستی ویتنام در سال‌های اخیر به این فکر افتاده که دوباره به مذهب، نگاهی محبت‌آمیزتر داشته باشد؟

در سال‌های اخیر، شرق آسیا دچار تحولات اقتصادی عظیمی شده‌است. این‌که دولت سوسیالیستی ویتنام اقدام به ساخت معبد‌های بودایی بزرگ کرده، نه یک تحول مذهبی‌ست و نه یک اقدام در راستای دموکراسی دینی، بلکه راهکاری‌ست برای بهبود اوضاع اقتصادی کشور. در این بین، مذهب نیز چون بسیاری از پدیده‌های اجتماعی، از تیررس سیاست و اقتصاد در امان نمانده‌است. اقدام سیاستمداران سوسیالیست ویتنام، بی‌شبهت به ترفندی نیست که چند سال پیش، دولت خلق چین به کار بست.

در سال 1385 خورشیدی، مقاله‌ای نوشتم تحت عنوان «چین چه در سر دارد» که نگاهی بود به اولین همایش جهانی بودیسم در چین و حاشیه‌های آن. در قسمت نخست آن نوشته بر طبق گزارش‌های همان سال، در بخشی از یادداشت این‌طور آمد:

«... دولت کمونیست، چندی پیش به‌طور رسمی اعلام نمود که احیا و بازسازی معابد بودایی چین را به‌صورتی متمرکزتر در برنامه‌ی کاری خود قرار داده‌است، اما این رویداد در راستای حمایت و یا توجه به بوداییان صورت نپذیرفت، بلکه هدف از آن جلب بیش‌تر گردشگران و توریست‌های داخلی و خارجی ذکر شد که در سال‌های اخیر گرایش بسیاری به بازدید از معابد بودایی داشته‌اند. از سوی دیگر حملات لفظی و انتقادات صریح ایالات‌متحده نسبت به نبود آزادی مذهبی در چین، دولتمردان پرجمعیت‌ترین کشور جهان

را بر آن داشت تا در راستای حفظ ثبات بنیادهای اجتماعی‌شان که مدتی بر اثر چالش‌های داخلی و ضربات غیرمستقیم خارجی، به‌خصوص از سوی رقیب اقتصادی و نظامی‌شان یعنی ایالات‌متحده که کمی متزلزل شده را به‌نوعی احیا کند و شکل‌گیری و رشد نطفه‌های ضددولتی را متوقف سازد...»

این اقدام دولت سوسیالیستی ویتنام را می‌توان به نوعی همراهی همان ترفند دولت همسایه‌شان چین قلمداد کرد. اقدامی که اگر با روش‌های معقول‌تر و زیرساخت‌های صحیح‌تری چون دموکراسی، آزادی بیان و آزادی مذهب به مرحله‌ی اجرا در می‌آمد، نه آبروی دولت را می‌برد و نه آبروی دین.
